

چرخش از واقع گرایی به جریان سیال ذهن

گروه فرهنگی/ همکاری هادی مرزبان و اکبر رادی ۳۷ سال پیش با اجرای نمایش «پلکان» شروع شد. نمایشی که به گفته رادی براساس سه قطعه عکس از یک نفر در سه دوره از زندگی اش نوشته شده بود. روایت زندگی مردی به نام بلبل که از پسیخان رشت تا فرمانیه با پس زدن آدم‌ها بالا می‌رود و در نهایت نیز خودش عدالت را برقرار می‌کند.

■ **سر آغاز یک همکاری دنباله‌دار در خشان** این سرآغاز یک همکاری دنباله‌دار میان هادی مرزبان واکبر رادی بود و با «آهسته با گل سرخ»، «هاملت با سالد فصل»، «آمیز قلم‌دون»، «شب روی سنگفرش خیس»، «باغ شب‌نمای ما»، «ملودی شهر بارانی»، «پایین، گذر سقاخانه»، «بلخند باشکوه آقای گیل»، «خانمچه و مهتابی»، «تانگوی

تخم‌مرغ داغ» و... ادامه پیدا کرد تا جایی که نام این دو گوهر هنرهای نمایشی ایران را به یکدیگر پیوند داد و هر کجا نام رادی می‌آمد، نام مرزبان به‌عنوان کارگردان بسیاری از نمایشنامه‌های او و هر کجا نام مرزبان می‌آمد، نام رادی به‌عنوان نویسنده بسیاری از اجراهای او ذکر و پیوند کسانی مانند فردی بوش و لونیس بونول و بسیاری دیگر را یادآور می‌شد؛ فردی بوش، منتقد و درام‌شناس معاصر انگلیسی که شاید قریب به تمام زندگی اش را صرف شناخت کارگردان و فیلمساز بزرگ اسپانیایی، لونیس بونول کرده بود و هادی مرزبان، درام‌شناس و کارگردان بزرگ که بخش اعظمی از زندگی هنری اش را وقف اجرای آثار درام‌نویس سرشناس، اکبر رادی کرده است. اتفاقی که مرزبان خود در موردش

می‌گوید: «من ۳۰ سال با آثار رادی زندگی کردم و می‌توانم بگویم بسیار هم آموختم و این ۳۰ سال دوران باشکوهی در کارهای من بود.» این پیوند چنان عمیق و ناگسستنی بود که تنها داستان مرگ توانست آن را از هم بگسلد. اکبر رادی پنجم دی ۱۳۸۶ درگذشت و مرزبان در سوگش چنین نوشت: «رادی عزیز، شبی به تو گفتم می‌خواهم ۱۰ نمایشنامه‌ات را روی صحنه بپریم و تو گفتی چرا ۱۰ تا؟ بگو ۱۵ تا و بیشتر، اما عمر همکاری ما از ۱۰ نمایشنامه بیشتر نرفت و اینک تو رفته‌ای و منتظر نماندی که ببینی در مقابل فرمانت سر تعظیم فرود خواهم آورد. حال با چه آمیدی «خانمچه و مهتابی» را در غیاب تو اجرا کنم؟ با که مشورت کنم واز که کمک بخواهم؟ رادی جان غم

دوری‌ات بسی دشوار است. من معتقدم رادی هنوز نرفته است، رادی هست. مگر می‌شود رادی نباشد؟! همان‌طور که چخوف هست. ایبسن هست. همان‌طور که شکسپیر هست؛ تا تأثیر هست، رادی هست و تو هرگز فراموش نمی‌شوی و زمان این را تأیث می‌کند.» ■ **تأثیر و تأثرات دو هنرمند بزرگ بر یکدیگر** هرچند هادی مرزبان را تنها بواسطه روی صحنه بردن نمایشنامه‌های اکبر رادی نمی‌شناسیم و او متونی از دیگر نمایشنامه‌نویسان ایرانی از جمله بهرام بیضایی، علی نصیریان، رحمد رحمانیان، امیر دژاکام و... را نیز روی صحنه برده است و علاوه بر آن سابقه نویسندگی، بازیگری در تئاتر، سینما، تلویزیون و کارگردانی تله‌تئاتر

را نیز در کارنامه پرپار خود دارد اما پیوندش با رادی موجب تسری شیوه نمایشنامه‌نویسی این نویسنده بزرگ به اجراهای صحنه‌ای او نیز شد. رادی کسی بود که از درد اجتماع و مردم‌شناسی می‌نوشت و شخصیت‌های نمایشنامه‌هایش آدم‌هایی از پیرامونش بودند. او معتقد بود که همین دوروبر آن‌قدر مسأله وجود دارد که از هر کدام می‌توان یک درام پدید آورد و لزومی ندارد برای نوشتن به سراغ جوامع دیگری با مرمت متون کهن رفت. رادی باور داشت اگر هنرمند با مضامین ساده زندگی درمان جامعه معاصر خود، درمانی خلق کند، دینش را ادا کرده‌است. بسیاری او را چخوف ایران می‌دانند، چراکه شخصیت‌های نمایشنامه‌هایش، با داشتن مسلک روشنفکری، خصلت‌هایی

زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» اکثراً افرادی منفعل محسوب می‌شوند. بیشترشان در فضایی نوستالژیک به سر می‌برند و با فلسفه‌یابی، خود را مقید کرده‌اند که انزوا و دوری‌گزیدن از دیگران را برگزینند. در نتیجه، ضربه‌های روحی ناشی از تقابل و مواجهه با دیگر طبقات را در کتف عزلت تحمل می‌کنند. نوشته‌های رادی مانند چخوف، قهرمان ندارد و همه آدم‌هایش بحران زده‌اند و این همه به صحنه نمایش‌های هادی مرزبان نیز منتقل شده است.

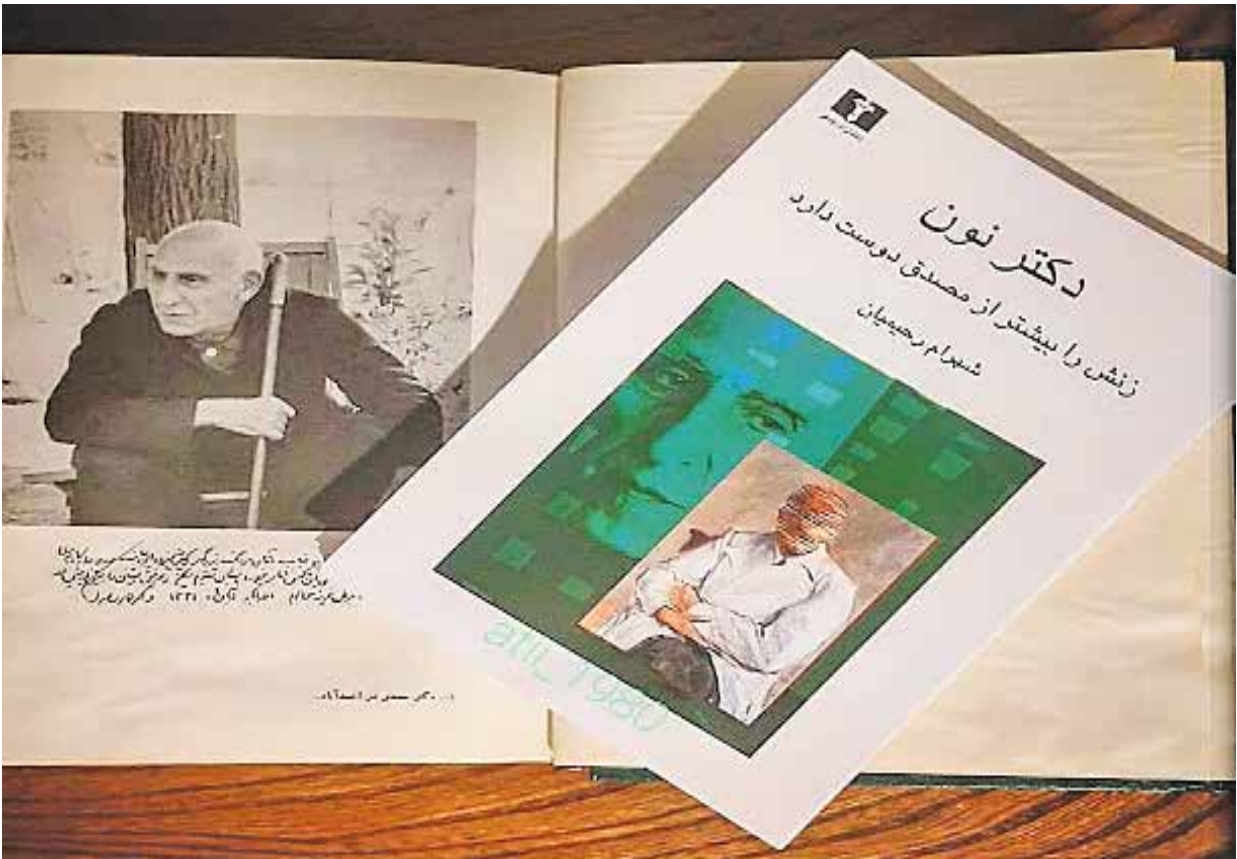
■ **آیا چرخش‌های مرزبان موفقیت‌آمیز خواهد بود؟**

مرزبان اما این بار تصمیم گرفته است با چرخشی از سوی این رئالیسم به جریان سیال ذهن، وجهه دیگری از توانایی‌های خود را بنمایاند. او رمان «دکتر نون

هادی مرزبان در گفت‌وگو با «ایران»

از اجرای نمایش «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» می‌گوید

فروپاشی میان عشق و وظیفه



ترگس‌کیانی
خبرنگار

هادی مرزبان، چهره شناخته‌شده هنرهای نمایشی این روزها مشغول تمرین نمایش «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» است. نمایشی که قرار است از اواسط مرداد در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود و تا اینجا ی کار دکتر نونش؛ مهدی فخیم‌زاده، مصدقش؛ صدرالدین زاهد و جوانی‌های ملک‌تاجش؛ شیوا مکی‌نیا ن هستند. تنظیم متن برای اجرای صحنه‌ای نیز توسط دلارا نون‌شین و محمد وفا یی انجام شده است. «پشت همین میز چوبی شهادت می‌دهم که دکتر نون مرد، مُرد، مُرد. وقتی او می‌مرد، برگ‌های زرد و سرخ از شاخه‌های تونمند فرزندانش فرو می‌بارید و صدای گوش‌نواز خواننده محبوس، دلکش با صدای جیک‌جیک صدها گنجشک و عطر صابونی که دوی درد بوی بد پیری نبود، درهم آمیخته بود.» این مقدمه رمان در خشان شهرام رحیمیان، «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» است که هر چند شاید بواسطه بودن نام مصدق در عنوانش به شک بیندازد مان که با اثری سیاسی مواجه خواهیم بود اما متنی عاشقانه است، عاشقانه‌ای طوفانی که فروپاشی روانی دکتر نون و سرگردانی اش میان عشق به ملک‌تاج و انجام وظیفه در برابر محمد مصدق رقم‌ش زده است. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگو با هادی مرزبان است که می‌خواهد اجرایی متفاوت با آنچه را تاکنون از او دیده‌ایم روی صحنه ببرد.

■ اگر موافق باشید با رمان گبرا و خواندنی شهرام رحیمیان و علاقه چندین ساله شما به روی صحنه بردن آن آغاز کنیم، پیوند شما و «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» از چه زمانی رقم خورد؟

حدود ۱۰ یا ۱۲ سال پیش بود که یکی از دوستانم رمان «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» به قلم شهرام رحیمیان را به دستم رساند و از من خواست آن را بخوانم و گفت این راست کارِ خودت است. من متن را خواندم و برای نقش دکتر نون، زنده‌یاد جمشید مشایخی را انتخاب و حتی چند جلسه با ایشان تمرین خصوصی کردم. در ادامه، ماجرای پیش آمد که آن دوست به من گفت اگر می‌شود خودم متن را روی صحنه ببرم که من هم اگرچه کمی دلخور شدم اما مخالفتی نکردم هر چند او هم هیچ‌گاه این متن را اجرا نکرد.

۴ یا ۵ سال پیش بود که در سفری به آمریکا در ماه رمضان، فرزندانم که

اجازه روی صحنه بردن این رمان را دارید و آن را به شما تقدیم می‌کنم که دوست دارم یکی از نمایشنامه‌هایم به‌نام «فیل‌ها تنها می‌میرند» را هم تقدیم شما کنم. زمانی که به ایران برگشتم آن نمایشنامه را خواندم و به ایشان گفتم با متن ارتباط برقرار نکرده‌ام اما «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» را حتماً اجرا می‌کنم.

■ تبدیل رمان به نمایشنامه کار خودتان بود؟

نه، خانم دلارا نون‌شین و آقای محمد وفا یی این کار را انجام دادند. آنها می‌نوشتند و هفته‌ای یک بار جلسه می‌گذاشتیم و من می‌گفتم با کجا موافقم و با کجا نه. ما سه نفر، این کار را با هم به نتیجه رساندیم و حاصل آن، متنی شد که سال گذشته تصمیم به

اجرایش گرفتم.

■ تصمیمی که شیوع کرونا مانع از اجرای آن شد.

بله. ما قرار بود از هفتم اسفند ۱۳۹۹ در تالار وحدت روی صحنه برویم که کرونا، لعنت‌الله علیه گذاشت و کارمان تعطیل شد و نتیجه این شد که در مرداد ۱۴۰۰ روی صحنه خواهیم رفت. البته قرار بود اجرای‌مان را از ابتدای مرداد آغاز کنیم اما به دلایلی احتمالاً از ۱۵ مرداد روی صحنه خواهیم رفت و امیدوارم نتیجه کار آن‌قدر جذاب باشد که بعد از ماه محرم هم به اجرا ادامه دهیم.

■ عنوان اثر ممکن است در وهله نخست این فکر را به ذهن متبادر کند که با متنی تاریخی یا سیاسی مواجهیم اما بعد از خواندنش متوجه می‌شویم که یک عاشقانه کامل است.

دقیقاً. «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» در برخلاف تصوارتی که ممکن است در قدم اول شکل بگیرد، یک عاشقانه صد‌درصد است،

با سبک خودش به سمت دکتر نون خیز برمی‌دارد.

■ می‌دانیم که رمان می‌تواند از ابزار ی به‌نام توصیف بهره‌برد که شما در اجرای صحنه‌ای از آن محروم‌اید و در واقع می‌بایست به عمل‌نمایشی تبدیلش کنید. در آماده‌سازی «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» که به شکل گیرایی از ابزار توصیف استفاده کرده است برای روی صحنه رفتن، چه‌طور بر این چالش فائق آمدید؟

اشاره کاملاً درستی است و انجام این کار بسیار دشوار است. شیوه کار من همواره به این صورت بوده است که چندان موافقتی با شرح دادن و توضیحات پرتول و تفصیل ندارم و معتقدم روی صحنه باید اکت و عمل‌نمایشی را به مخاطب نشان داد.

■ و شاید اگر کارگردان سهل‌گیری بود تصمیم می‌گرفت این شرح‌دادن‌ها و توضیحات پرتول و تفصیل را در قالب مونولوگی از زبان دکتر نون روی صحنه نشان دهد.

بله و در آن صورت یک تک‌گویی می‌شد. یک تک‌گویی رو به تماشاگر. خاطره جالبی برایتان بگویم. هنگامی که متن را برای دریافت مجوز اجرا به اعضای شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی ارائه کردم آنها به من گفتند ما مانده‌ایم تو می‌خواهی با این متن چه کنی؟! و چه‌طور می‌خواهی روی صحنه نشانش دهی؟! حتی به‌های گروهم که چند پیراهن بیشتر از دیگران پاره کرده‌اند و تجربه بیشتری دارند، هنگامی که اولین بار برای خواندن متن به خانه‌ام آمده بودند، همگی می‌پرسیدند می‌خواهید با این پیس چه کنید؟! چرا این‌طوری است؟! یک طوری است که انگار نمی‌شود روی صحنه بردش!

■ احتمالاً بهره‌گیری شهرام رحیمیان از شیوه سیال ذهن و جابه‌جایی مکرر راوی از اول شخص مفرد به سوم شخص مفرد موجب آن است.

بله. یکی از دوستانم می‌گفت وقتی تماشاگر در سالن انتظار است و می‌خواهد «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» ببیند گمان می‌کند قرار است به تماشای یکی دیگر از آثار رئالیستی هادی مرزبان در ادامه اجراهایش از متن‌های اکبر رادی بنشیند اما وقتی این اثر را ببیند متوجه می‌شود همه چیز ۱۸۰ درجه تغییر کرده است و یک کار صد‌درصد مدرن و غیر از کارهای قبلی مرزبان روی صحنه است.

■ پس قرار است اجرایی متفاوت با آنچه تا به حال از شما دیده‌ایم، ببینیم. دقیقاً. شیوه اجرای «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» کاملاً مدرن و از زاویه ذهن راوی است. اتفاقات همگی ذهنی است و هر آنچه روی صحنه می‌بینید در ذهن دکتر نون اما در قالب عمل‌نمایشی می‌گذرد. ما در این مسیر با دو مشکل مواجهه بودیم که باید حلش می‌کردیم. اول اینکه تماشاچی عام آنچه را روی صحنه می‌بیند بپذیرد و دوم اینکه حرف

پیس را بدرستی منتقل کنیم. این دو نکته‌ای بود که ما رعایت کردیم و تصور می‌کنم تا امروز نیز درست جلو آمده‌ایم. تماشاچی

تنظیم‌کننده متن برای صحنه‌ایم، نه دراماتورژ

پیش از هر چیز باید اشاره کنم که آنچه من و آقای محمد وفا یی به هدایت آقای هادی مرزبان روی رمان «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» انجام دادیم، نه «دراماتورژی» که «تنظیم متن برای صحنه» است یا دست‌کم بهترین نامی که من می‌توانم روی آن بگذارم، این است. چرا که



دلارا نون‌شین
دراماتورژ

دراماتورژی به لحاظ علمی تعریف مشخص خود را دارد که آن‌چه ما انجام داده‌ایم در چارچوبش نمی‌گنجد. احتمالاً کسانی هم هستند که چنین کاری را انجام دهند و نام خود را نویسنده بگذارند اما ما ترجیح می‌دهیم نام‌مان تنظیم‌کنندگان متن برای صحنه باشد.

حدود ۴ سال پیش بود که من و آقای محمد وفا یی متنی نوشتم و قرار شد آقای هادی مرزبان آن را روی صحنه ببرند، قرار ی که همچنان پابرجاست. در خلال صحبت‌های‌مان با یکدیگر در مورد آن نمایشنامه، آقای مرزبان گفتند رمان «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» بسیار دوست دارند و سال‌هاست که قصد اجرای آن را دارند و به ما پیشنهاد دادند که تنظیم کردنش برای صحنه را بر عهده بگیریم؛ پیشنهادی که ما نیز از آن استقبال کردیم و انجامش دادیم.

طبیعتاً تبدیل‌کردن رمان به نمایشنامه به‌واسطه لزوم تبدیل آنچه در اثر اولیه از طریق توصیف روایت شده است به عمل‌نمایشی، کاری دشوار است اما رمان «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» به سبب گذر حوادث اش در فضای سیال ذهن، تا حدودی دست تنظیم‌کنندگانش برای صحنه را بازر از اثری در فضایی دیگر می‌گذارد. ما طبق صحبت‌هایی که با آقای مرزبان داشتیم تلاش کردیم به هیچ عنوان همزمان با نوشتن، کارگردانی نکنیم. کاری که بسیاری از نویسندگان هنگام نوشتن نمایشنامه انجامش می‌دهند. ضمن این که طبق خواست ایشان، تا جای ممکن به متن وفادار بودیم و برای همین آنچه را رخ داد همچنان تنظیم متن برای صحنه می‌دانیم و نه نگارش یا دراماتوزی متن.

پس از خواندن رمان، ممکن است این اندیشه که می‌توان آن را تبدیل به یک مونولوگ کرد هم از ذهن خواننده عبور کند اما ما با توجه به سلیقه شخصی‌مان، ترجیح دادیم به سبب وجود داستانک‌های متعدد این اثر که در مکان‌های مختلف و با حضور کاراکترهای متفاوت، تودرتوی هم می‌لغزند و کاملاً از این قابلیت برخوردارند که قاب‌های متعدد بسازند، تنوع بصری ایجاد کنند و در کنار قصه‌ای گیرا، چشم‌نواز هم باشند و راه دشوارتر را برگزینیم.

هر اثری پیش از خلق، اضطرابی در جان خالقش می‌نشانند و او را در معرض یک آزمون و خطا قرار می‌دهد. به این معنا که چه بزرگ‌ترین هنرمندان باشید و چه کوچک‌ترین شان، این دغدغه را خواهید داشت که سرانجام کارتان چه می‌شود؟ دغدغه‌ای که بخش جدایی‌نازی از روند خلق اثر هنری را می‌آفریند و ما نیز در مقام تنظیم‌کنندگان متن برای صحنه، فارغ از آن نبودیم اما با توجه به این که حوزه اصلی کاری‌ام کارگردانی است، معتقدم اگر تک‌تک افراد گروه در خدمت ایده کارگردان قرار بگیرند، در مسیری که او می‌خواهد حرکت کنند و حق انتخاب او را به‌عنوان مؤلف اثر به رسمیت بشناسند، اتفاق درست‌تری رخ خواهد داد و قطعاً نگرانی خودشان نیز کم‌تر خواهد شد.

در پایان، آنچه روی صحنه نمایش «دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» خواهد دید، یک عاشقانه کامل است و عاشقی گیرافتاده میان عشق و وظیفه، میان ملک‌تاج و محمد مصدق و به عقیده من، حتی اگر دکتر نون عکس کاری را که اکنون کرده است می‌کرد یعنی عشق را به پای وظیفه قربانی می‌کرد و نه وظیفه را به پای عشق، باز هم دچار فروپاشی روانی می‌شد و در حاصل ماجرا تفاوتی پیش نمی‌آمد.

شیوه کار من همواره به این صورت بوده است که چندان موافقتی با شرح دادن و توضیحات پرتول و تفصیل ندارم و معتقدم روی صحنه باید اکت و عمل‌نمایشی را به مخاطب نشان داد

عمل‌کنم و چگونه نشانش دهم تا از خطوط قرمز احتمالی رد نشوم. ■ و سؤال آخر، بجز آقای مهدی فخیم‌زاده، دیگر بازیگران این نمایش مشخص شده‌اند؟

بله، آقای صدرالدین زاهد نقش دکتر محمد مصدق را بازی خواهند کرد که اتفاقاً شباهت زیادی هم به ایشان دارند. خانم شیوا مکی‌نیا نیز نقش جوانی‌های ملک‌تاج را بازی می‌کنند و بازیگردان و ملک‌تاج دیگر در دوسن متفاوت هنوز انتخاب نشده‌اند. البته که این نمایشنامه کوتاهی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قصد ضرب و شتم طرفداران کوتاه مدتدی مانند مردم که در تاریخ معاصر ایران رخ داده است. البته که من می‌دانم چه‌طور

بـسواسطه قرارداد پنهانی که در صحنه اول با او امضا می‌کنیم درمی‌یابد که به تماشای کاری مدرن نشسته است و از این رو متوجه آنچه روی صحنه می‌گذرد خواهد شد و آنچه را می‌بیند می‌پذیرد.

■ یکی از صحنه‌هایی که گمان می‌کنم برای گرفتن مجوز کمی حساسیت برانگیز بوده، صحنه‌ای است که زنان شهر نو، بر سر دکتر نون می‌ریزند و او را به باد تگ می‌گیرند.

بله. استفاده از ساکنان شهر نو در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قصد ضرب و شتم طرفداران کوتاه مدتدی مانند مردم که در تاریخ معاصر ایران رخ داده است. البته که من می‌دانم چه‌طور